

تمدن و فرهنگ ایران (از ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری)

مقدمه

در درس‌های پیش با اوضاع سیاسی - نظامی ایران از زمان ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری آشنا شدید. اما تاریخ تنها به چگونگی آمدن و رفتن حکومت‌ها نمی‌پردازد، بلکه علاوه بر آن به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، علمی و هنری گذشته نیز توجه دارد. از نظر بسیاری از مورخان این قسمت از تاریخ ملت‌ها، که از آن با عنوان «تاریخ تمدن و فرهنگ» یاد می‌شود، اهمیت بیش‌تری دارد. در این درس به اختصار با وضع تمدنی و فرهنگی ایران در دوره‌ی مورد بحث آشنا می‌شوید.

دوره‌های تمدنی و فرهنگی

دوره‌ی دوم شامل قرون چهارم و پنجم هجری است. در این دوره ایرانیان به رشد بسیاری در عرصه‌های مختلف دست یافتند. محققان این دوره را دوره‌ی طلایی تمدن و فرهنگ ایران دانسته‌اند. در دوره‌ی سوم که قرون ششم تا نهم هجری را شامل می‌شود، اگرچه تکاپوهای تمدنی ادامه یافت، اما قوت و پویایی دوره‌ی قبل را نداشت. این وضعیت به دلیل عواملی چون تشدید اختلافات سیاسی، تعصبات فکری و مذهبی و نیز حملات پیاپی و ویرانگر مهاجمان مختلف به ایران بود. در ادامه‌ی این درس با جنبه‌های مختلف تمدن و فرهنگ ایران بعد از اسلام به اختصار آشنا می‌شوید.

در یک نگاه کلی می‌توان سیر تمدن و فرهنگ ایران را، در دوره‌ی مورد بحث به سه دوره‌ی تقریبی تقسیم کرد. دوره‌ی نخست؛ شامل قرون اول تا سوم هجری، دوره‌ای است که می‌توان آن را دوره‌ی انتقال نامید. در این دوره آن بخش از میراث ایران پیش از اسلام که با شرایط جامعه‌ی جدید ایران، به عنوان یک جامعه‌ی مسلمان، همخوانی داشت و به رفع نیازها کمک می‌کرد، جای خود را یافت. هم‌چنین در این دوره در سایه‌ی تعالیم اسلام و آشنایی ایرانیان با میراث‌های دیگر ملت‌ها، تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی به تدریج شکل گرفت.

ارزش تجربه‌های ایرانیان

یک توضیح

خالد بن عبدالله قسری کارگزار حکومت امویان در عراق بود. او از هشام بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی اجازه خواست تا بر روی دجله پلی بسازد. هشام به او نوشت اگر این کار شدنی بود، ایرانیان قبلاً (عهد باستان) این کار را کرده بودند؛ اما چون خالد در این مورد پافشاری کرد هشام به این شرط پذیرفت که اگر پل خراب شد خالد شخصاً خسارت آن را به بیت‌المال بدهد. پل با هزینه‌ای سنگین ساخته شد اما کمی بعد در اثر طغیان دجله ویران گردید. هشام نیز تمام هزینه‌ی ساختن پل را از خالد گرفت.

نظام حکومتی و تشکیلات اداری

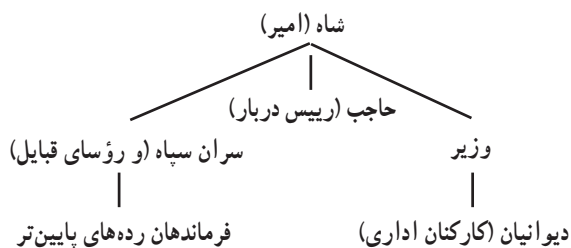
پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، ایران تا حدود دو قرن، به وسیله‌ی عاملان یا نمایندگان خلیفه در بصره و کوفه اداره می‌شد. آن‌ها برای اداره هر بخش از ایران فردی با عنوان «عامل»، «والی» یا «حاکم» می‌فرستادند. اما این وضع نتوانست برای مدت زیادی دوام بیاورد. کم شدن قدرت دستگاه خلافت، ناتوانی والیان و حاکمان نواحی در اداره‌ی امور و شکل‌گیری اندیشه‌ها و حرکت‌های استقلال‌طلبانه از جمله عواملی بود که به تدریج زمینه را برای تغییر وضع سیاسی ایران و تشکیل حکومت‌های محلی و مستقل فراهم نمود. از این پس افراد و خاندان‌ها با عناوینی چون «امیر» و «سلطان»، به حکومت رسیدند. این حکومت‌ها نیز هم‌چون دستگاه خلافت به تقلید از تشکیلات حکومتی ایران پیش از اسلام روی آوردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

بسیاری از فرمان‌روایان ایران در دوره‌ی بعد از اسلام می‌کوشیدند به نحوی خود را با خاندان‌های قدرتمند و حاکم در ایران پیش از اسلام مرتبط بدانند. به نظر شما این موضوع نشانگر چیست؟

تا پیش از برافتادن خلافت عباسیان نوعی تقسیم قدرت میان حاکمان ایران و خلیفه برقرار بود. به این معنی که خلیفه بیش‌تر ریاست معنوی و اسمی داشت و سهمی از درآمد به دست آمده در ایران را دریافت می‌کرد. حاکمان نیز ضمن پذیرش این موضوع در عمل مطابق خواست خود حکومت می‌کردند. چنان که در سرگذشت حکومت‌ها خواندید، این تقسیم قدرت فراز و نشیب‌های زیادی را از سرگذراند. پس از انقراض خلافت عباسی

استقلال فرمان‌روایان ایران کامل‌تر شد و قدرت دنیوی و ریاست معنوی هر دو در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در سلسله مراتب قدرت در ایران، غالباً پس از امیر یا پادشاه فرماندهان نظامی قرار داشتند که دارای قدرت بسیار بودند. بسیاری از بنیان‌گذاران سلسله‌های حکومتی ابتدا جزو همین فرماندهان بودند که به تدریج قدرت یافتند. مقام سیاسی مهم دیگر وزیر بود. وزیران نقش اصلی را در اداره‌ی امور برعهده داشتند و معمولاً از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند. در حقیقت فرمان‌روایان ناچار به استفاده از این وزیران بودند. بزرگ‌ترین مشکل وزیران درگیری و اختلاف آن‌ها با فرماندهان نظامی بود. وجود دو اصطلاح «اهل قلم» و «اهل شمشیر» در ادبیات سیاسی - تاریخی ما بیانگر همین موضوع است. فرماندهان نظامی که اغلب با خاندان حاکم پیوندهای قبیله‌ای و خانوادگی داشتند، معمولاً حاضر به تمکین در برابر آن بخش از سیاست‌های وزیران، که به ضررشان بود، نبودند. از سوی دیگر وزیران نیز اداره‌ی درست امور را در گرو همراهی سران نظامی با خود می‌دانستند.



در نظام حکومتی ایران، برای اداره‌ی امور کشور یک رشته تشکیلات اداری به وجود آمد که به هر بخش آن دیوان (وزارت‌خانه) و به کارکنان آن دیوانیان می‌گفتند. در جدول صفحه‌ی بعد مشخصات تعدادی از مهم‌ترین دیوان‌ها را می‌بینید.

نام دیوان	توضیحات
رسایل	این دیوان زیر نظر وزیر اداره می‌شد و مرکز اداری حکومت به‌شمار می‌آمد. وظیفه‌ی آن ثبت فرمان‌های حکومتی و نامه‌های اداری و دریافت و ارسال نامه‌های دولتی بود. در دوره‌ی سلجوقی دیوانی به نام دیوان طغرا جایگزین دیوان رسایل شد. طغرا واژه‌ای ترکی و به معنای نشان یا خطی بود که در بالای فرمان‌ها و نامه‌های حکومتی ثبت می‌شد و در حکم امضای شاه یا فرمان‌روا بود.
برید	دیوان برید، که رئیس آن صاحب برید خوانده می‌شد، یکی از مهم‌ترین دیوان‌های حکومتی بود. کارگزاران این دیوان یعنی چابارها علاوه بر انتقال پیام‌ها و نامه‌ها از مرکز حکومت به مناطق مختلف و بالعکس، به کار خبرگیری و جاسوسی نیز می‌پرداختند و بدین ترتیب نوعی فعالیت امنیتی را برای حکومت انجام می‌دادند.
إشراف	این دیوان زیر نظر فردی با عنوان مشرف الممالک اداره می‌شد و به نحوه‌ی عمل کارگزاران حکومتی رسیدگی می‌کرد.
استیفا	این دیوان به ریاست صاحب دیوان استیفا (مستوفی) به امور مالی حکومت رسیدگی می‌کرد و درآمدها و هزینه‌ها را مشخص می‌نمود.
عَرَض	این دیوان توسط عارض اداره می‌شد و به امور نظامی از قبیل تهیه‌ی مقررات مربوط به سپاه، چگونگی گردآوری سپاه، آمار سپاهیان و پرداخت حقوق و مواجب آن‌ها می‌پرداخت.

یک توضیح

نقش زنان در عرصه‌ی سیاست و حکومت

در دوره‌های مختلف تاریخ ایران زنان نیز در عرصه سیاست و حکومت، کم و بیش، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در این بین مادران و همسران فرمان‌روایان بیش از همه جلب توجه می‌کنند. بعضی از آن‌ها با نفوذی که بر فرزندان یا همسر خود، یعنی شاه یا امیر، داشتند، در امور حکومتی اعمال نظر می‌کردند؛ به‌ویژه هنگامی که حکومت به فرزند خردسال فرمان‌روای متوفی می‌رسید، مجال بیش‌تری برای حضور زنان فراهم می‌شد. زیرا اینان گاهی به‌عنوان نایب‌السلطنه اداره‌ی امور را به‌دست می‌گرفتند. چه بسا می‌شد که هر یک از زنان متعدد فرمان‌روا برای به‌قدرت رساندن فرزند خود می‌کوشید و کسی که در نهایت فرزندش به عنوان ولیعهد و جانشین تعیین می‌شد، مرتبه‌ای ممتازتر می‌یافت. در بعضی موارد نیز زنان رسماً به‌عنوان فرمان‌روا یا نایب او، اداره‌ی حکومت را در دست می‌گرفتند.

در ایران بعد از اسلام کشاورزی شکل اصلی فعالیت اقتصادی بود و کشاورزان قسمت عمده‌ی جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. کشاورزی نه تنها در روستاها بلکه در اطراف شهرها نیز رواج داشت. خواجه نصیرالدین توسی اندیشمند بزرگ این دوران معتقد بود که بدون وجود کشاورزان رشته‌ی انتظام جامعه از هم خواهد گسیخت، زیرا اینان فراهم کننده‌ی خوراک همه‌ی گروه‌ها و طبقات جامعه‌اند. مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌ها نیز مالیات بود که بیش‌تر از کشاورزان گرفته می‌شد.

در سرزمین کم‌آبی چون ایران، رونق کشاورزی به میزان زیادی به نظام آبیاری بستگی دارد. به همین جهت همواره اموری چون ساختن سد(بند)، حفر و لای‌روبی قنات‌ها و نهرها از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بنابراین هنگامی که در اثر بروز جنگ و ناامنی یا بی‌توجهی حکومت‌ها نظام آبیاری دچار مشکل می‌شد، کشاورزان دچار زیان‌های سنگین می‌شدند. اساساً بیش‌ترین ضربه‌ی ناشی از تحولات سیاسی- نظامی، به کشاورزی وارد می‌شد. بروز بحران در بخش کشاورزی خود مقدمه‌ی پیدایش مصایب دیگر هم چون قحطی و مرگ‌ومیر بود. حملات صحراگردان نیز ضربات هولناکی بر کشاورزی ایران وارد کرد. در کنار کشاورزی، دام‌داری نیز توسط کوچ‌نشینان و روستاییان انجام می‌شد.

در شهرها فعالیت‌های اقتصادی دیگری نیز رایج بود. پیشه‌وران از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در شهرها



مسجد تاریخی خانه‌ی دامغان نمونه‌ای از قدیمی‌ترین مساجد که در قرون نخستین اسلامی در ایران ساخته شده است.

ورود اسلام به ایران چهره‌ی جامعه‌ی ایران را تغییر داد. مردم ایران به تدریج مسلمان شدند و پیروان ادیان دیگر، از جمله زردشتیان، در اقلیت قرار گرفتند و البته تحت حمایت قوانین اسلامی هم‌چنان به زندگی خود ادامه دادند. فرمان‌روایان نیز خود مسلمان بودند و خویش را مدافع دین می‌دانستند.

علاوه بر مذهب سنی که مذهب رسمی و رایج بود، گروه‌هایی از شیعیان نیز در مناطق مختلف زندگی می‌کردند. از میان فرقه‌های مختلف شیعی سه گروه امامی (اثنی‌عشری)، اسماعیلی و زیدی پیروان بیش‌تری داشتند.

در دوره‌ی حکومت مغولان تشیع گسترش بیش‌تری یافت. از بین رفتن حاکمیت‌های ضد شیعه و در رأس آن‌ها خلافت عباسیان و عدم تعصب مذهبی مغولان از عوامل اصلی این مسأله بود. خواجه نصیرالدین توسی و علامه‌ی حلّی از جمله عالمان برجسته‌ی شیعی در این زمان بودند که برای رونق یافتن این مذهب تلاش بسیار کردند. حتی در این دوره چند سالی تشیع به‌عنوان دین رسمی اعلام شد. در سایه‌ی رشد روزافزون تشیع بود که سرانجام در آغاز قرن دهم هجری سلسله‌ی صفویان، به‌عنوان یک حکومت شیعی، تأسیس شد. یکی دیگر از جلوه‌های فکری- مذهبی در ایران

عرفان و تصوف بود. صوفیان و عارفان که به خودسازی فردی همراه با انزوا توجه داشتند، به‌عنوان گروهی دیندار مورد توجه بسیاری از مردم بودند و خانقاه‌ها را مرکز تجمع و فعالیت‌های خود قرار داده بودند. حضور چنین کسانی در میان مردم، در شکل متعادل آن، موجب صفای جامعه و توسعه‌ی معنویت می‌گردید، اما در شکل‌های افراطی و غیرمتعادل، زمینه‌های رخوت، تسلیم و بی‌توجهی به مسائل اجتماعی را ترویج می‌کرد.



بندامیر در فارس. این بند (سد) در دوره‌ی آل‌بویه (عضدالدوله) ساخته شده است.

بودند که به حرفه‌های مختلف از قبیل سفالگری، آهنگری،
اسلحه‌سازی و پارچه‌بافی اشتغال داشتند.



ظرف برنجی تزیین شده با طلا و نقره. این ظرف در قرن نهم هجری در
هرات ساخته شده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

در جریان حملات مغولان، پیشه‌وران از جمله
گروه‌هایی بودند که از قتل‌عام نجات یافتند. چنگیزخان
و جانشینانش دستور داده بودند تا پیشه‌وران را از
حملات خود مصون نگه‌دارند. گروه‌هایی از این
پیشه‌وران به مغولستان اعزام شدند. به نظر شما هدف
مغولان از این کار چه بود؟ این کار چه نتیجه‌ای برای تمدن
و فرهنگ ایرانی داشت؟

یکی دیگر از فعالیت‌های مهم اقتصادی بازرگانی
بود. قرار گرفتن ایران بر سر راه شرق و غرب، زمینه را
برای رونق این بخش فراهم می‌کرد. بازرگانان ایرانی در
فاصله‌ی میان چین و هند تا مدیترانه و شمال آفریقا در
تردد بودند. تشکیل امپراتوری مغول افق‌های تازه‌ای را
در عرصه‌ی تجارت گشود و آمد و شد بازرگانان را بیش‌تر
کرد. بازرگانی ایرانیان محدود به خشکی نبود و آن‌ها در
دریا نیز به این کار مشغول بودند. خلیج فارس و اقیانوس
هند و پایگاه‌هایی چون بندر سیراف (بندر طاهری کنونی)،
در جنوب ایران و جزیره‌ی کیش از جمله کانون‌های تجارت
بودند. بازرگانان هم‌چنین حاملان اسلام و فرهنگ و تمدن
ایرانی — اسلامی به سرزمین‌های دیگر و برعکس
انتقال‌دهنده‌ی تجارب دیگر ملت‌ها به داخل ایران بودند.



شمعدان برنجی با نوشته‌ها و نقوش طلایی و نقره‌ای مربوط به قرن هشتم هجری

درس و مدرسه

برای تعلیم و تربیت ساخته شد. اوج این کار را در ایجاد مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک توسی می توان دید که در شهرهای بزرگی چون بخارا، مرو، نیشابور و بغداد ساخته شدند. بعدها نیز مدارس دیگری از سوی فرمانروایان و دیوانسالاران ایرانی ساخته شد.

ایرانیان که پیشینه‌ی ارزشمندی در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن داشتند، در دوران بعد از اسلام بر وسعت تلاش‌های علمی خویش افزودند. مساجد از نخستین مراکز علم‌آموزی بودند ولی با گذشت زمان مراکز ویژه‌ای نیز

یک توضیح

ربع رشیدی که در عهد مغول توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ساخته شد نمونه‌ای کم‌نظیر از مراکز آموزشی به شمار می‌آید. ربع رشیدی مجتمعی علمی، آموزشی، فرهنگی و مشابه مجتمع‌های دانشگاهی امروزی بود. در آن جا بخش‌های مختلفی برای آموزش قرآن و فقه اسلامی، پزشکی (به صورت تجربی)، نگهداری و آموزش کودکان یتیم اما مستعد و نسخه‌برداری و صحافی کتاب‌ها وجود داشت. خواجه رشیدالدین زمین‌های کشاورزی، گله‌های دام و مکان‌های تجاری متعددی را وقف کرده بود تا درآمد آن‌ها صرف نگهداری ربع رشیدی، پرداخت حقوق استادان و شهریه‌ی دانش‌آموزان گردد.



یک مجلس درس. این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

رصدخانه‌ها نیز از دیگر مراکز علمی و آموزشی بودند که در میان آن‌ها رصدخانه‌ی مراغه سرآمد بود. این رصدخانه را خواجه نصیرالدین توسی، با جلب نظر هلاکو خان، در نزدیکی مراغه ساخت و ده‌ها هزار جلد کتاب را که در جریان حمله‌ی مغولان از آسیب درامان مانده بود، به آن جا منتقل کرد. در رصدخانه‌ی مراغه ده‌ها دانشمند از نقاط مختلف جهان مشغول به کار بودند و گروهی نیز آموزش می‌دیدند. یکی دیگر از مراکز علم‌آموزی در این قرون کتابخانه‌ها بودند که دانشمندان بزرگ بیش‌تر عمر خود را در آن‌ها سپری می‌کردند. در شهرهای بزرگ اغلب کتابخانه‌هایی وجود داشت که جویندگان علم در آن‌ها به مطالعه می‌پرداختند. در مساجد بزرگ نیز کتاب‌های زیادی نگهداری می‌شد، به ویژه که علما معمولاً کتاب‌های خود را وقف این مساجد می‌کردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

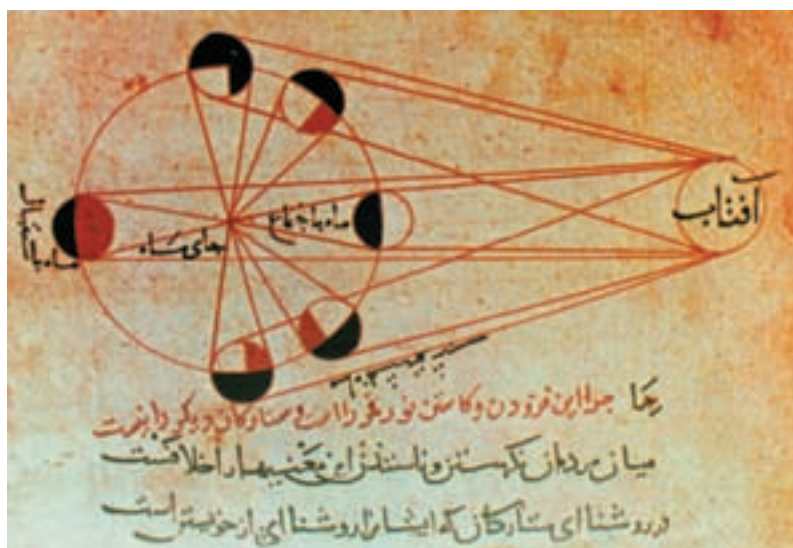
وقف یکی از مهم‌ترین منابع مالی برای تأمین هزینه‌ی فعالیت‌های علمی و آموزشی بود. وقف سنتی است که همواره در میان ملت‌های مختلف رایج بوده و هنوز هم هست. به نظر شما این شیوه‌ی تأمین هزینه‌چه محاسنی دارد؟

علوم

پزشکی (طب): از جمله رشته‌های علمی مورد توجه ایرانیان، پزشکی بود و علوم‌ی چون گیاه‌شناسی و جانورشناسی نیز به عنوان مکمل این رشته رونق داشتند. در این زمینه نام بزرگانی چون محمدبن زکریای رازی و ابن سینا قرن‌ها در جهان بر سر زبان‌ها بود و نوشته‌های آن‌ها به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نجوم و ریاضی: نجوم یا ستاره‌شناسی همواره یکی از عرصه‌های مهم فعالیت‌های علمی ایرانیان بوده است. علاوه بر توجه همیشگی انسان به اجرام آسمانی، مسایلی

چون نیاز به تعیین اوقات نماز، اصلاح تقویم و شناخت جهت قبله به رشد این علم در میان مسلمانان کمک کرد. تلاش‌های ایرانیان در عرصه‌ی نجوم از قرن دوم هجری آغاز شد. از جمله سرآمدان علم نجوم، ابوریحان بیرونی و عمر خیام بودند. کتاب‌های بیرونی از جمله قانون مسعودی در علم نجوم منبعی ارزشمند برای بسیاری از دانشمندان در شرق و غرب بوده است. اقدام مهم عمر خیام نیز استخراج و تدوین تقویم جلالی (به نام جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی) بود که مبنای تقویم امروزی ایرانی (هجری شمسی) است. در دوره‌ی حکومت مغولان علم نجوم پیشرفت زیادی کرد. علت اصلی این موضوع آن بود که مغولان به سعد و نحس و معنی دار بودن حرکات سیارات و ستارگان توجه خاصی داشتند. بزرگانی چون خواجه نصیرالدین توسی از این زمینه برای پیشبرد نجوم بهره گرفتند. فعالیت‌های نجومی در دوره تیموریان در رصدخانه سمرقند و به همت دانشمندانی چون غیاث‌الدین جمشید کاشانی پی‌گیری شد.



حالت‌های مختلف ماه در هنگام خسوف در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم اثر ابوریحان بیرونی

طرحی از چهره ابوریحان بیرونی

علم ریاضی نیز رونق فراوان داشت و علاوه بر منجمان، گروهی نیز به طور خاص در این زمینه فعال بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چند تن از ریاضی‌دانان برجسته ایرانی را که در قرون سوم تا نهم هجری می‌زیسته‌اند، نام ببرید.

علوم مذهبی: تأکید اسلام بر خردورزی و دفاع عقلی و منطقی از اسلام و هم‌چنین نیاز مسلمانان به حفظ

سنت‌های خود و روزآمد کردن اندیشه‌های برخاسته از دین اسلام موجبات توجه به رشته‌هایی چون فلسفه، کلام، فقه، حدیث و تفسیر را فراهم ساخت. در این زمینه‌ها نیز سهم ایرانیان قابل توجه بود. ده‌ها فیلسوف، متکلم، مفسر، محدث و فقیه در ایران ظهور کردند که نظرات و اندیشه‌های آن‌ها نه تنها در ایران بلکه در سرتاسر جهان اسلام مطرح بود. در جدول زیر با بعضی از این بزرگان آشنا می‌شوید.

مهم‌ترین رشته‌های علوم اسلامی

نام رشته علمی	موضوع رشته	نمونه‌های دانشمندان
فلسفه	جهان‌شناسی و هستی‌شناسی به کمک برهان‌های عقلی	ابن سینا، ابونصر فارابی، ابوالحسن عامری، ابن مسکویه
کلام	دفاع عقلی از عقاید دینی و پاسخ‌گویی به شبهات	فخرالدین رازی، ابن مسکویه
فقه	استخراج و استنباط احکام و تکالیف دینی از قرآن و سنت	شیخ توسی، علامه حلی، شیخ صدوق
حدیث	گردآوری احادیث و تعیین اسناد آن‌ها	بخاری، شیخ توسی، حاکم نیشابوری، شیخ صدوق
تفسیر	شرح آیات قرآنی و بیان شأن نزول و منظور آن‌ها	طبری، شیخ توسی، طبرسی، فخرالدین رازی، عتیق نیشابوری

تاریخ‌نگاری: تاریخ‌نگاری نیز از جمله دانش‌هایی است که رشد چشمگیری داشت. تأکید قرآن بر عبرت‌آموزی از زندگانی پیشینیان، لزوم ثبت رویدادهای مهم و شرح حال بزرگان و علاقه‌ی فرمان‌روایان به ثبت کارهایشان از عواملی بود که به توسعه‌ی تاریخ‌نگاری کمک کرد؛ در نتیجه در فاصله‌ی قرن سوم تا نهم هجری صدها کتاب تاریخی به زبان عربی یا فارسی توسط ایرانیان نوشته شد. این کتاب‌ها امروزه مهم‌ترین منبع محققان برای پژوهش درباره‌ی تاریخ ایران و اسلام هستند.



هنر و معماری: بیش‌ترین آثار تاریخی به جا مانده از دوران اسلامی تاریخ ایران بناها و اشیایی هستند که بیانگر وضع معماری و هنر در این دوران می‌باشند. بناهای به جا مانده در گوشه و کنار ایران شامل مساجد، کاخ‌ها، کاروان‌سراها و آرامگاه‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان مسلمان در زمینه‌ی ساخت بناهایی مستحکم، با تناسب و زیبا، تجربیات ارزنده‌ای داشته‌اند. مهم‌ترین تزیینات بناها شامل گچ‌بری و کاشی‌کاری است.

جغرافیا: گسترش سرزمین‌های اسلامی، کنجکاوی برای شناخت این سرزمین‌ها و دیگر سرزمین‌های ناشناخته و بالاخره نیاز به شناخت راه‌های ارتباطی و مسافرت به مناطق مختلف، موجب توسعه‌ی علم جغرافیا در جهان اسلام و از جمله ایران شد. جغرافی‌دانان ایرانی نظیر اصطخری، جیهانی و حمدالله مستوفی قزوینی در آثار خود آگاهی‌های گسترده‌ای در زمینه‌ی جغرافیای طبیعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی شهرها و روستاها ارائه کرده‌اند.



مسجد جامع یزد، که در قرون ششم تا هشتم هجری ساخته شده است، از جمله شاهکارهای معماری و هنر اسلامی است. در تصویر سمت چپ هم‌چنین گنبد بقعه‌ی سید رکن‌الدین یزدی دیده می‌شود. سید رکن‌الدین از عارفان و عالمان قرن هشتم هجری است. او موقوفات بسیاری را برای اداره‌ی این بقعه و تشکیل مجالس درس در آن اختصاص داده بود. وقف‌نامه او تا زمان حاضر باقی مانده است.



محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان. این محراب که در زمان سلطان محمد الجایتو (برادر و جانشین غازان‌خان) ساخته شده یکی از زیباترین گچ‌بری‌های موجود در ایران می‌باشد. این محراب در زمانی ساخته شده که الجایتو شیعه شده بود (۷۱۰ ه.ق). به همین دلیل یکی از آثار تاریخی در تاریخ تشیع در ایران به شمار می‌آید.



یک نمونه کاشی ستاره‌ای مربوط به قرن هشتم هجری
سعی کنید اشعار روی کاشی و تاریخ نوشته شدن آن را بخوانید.

هنر ایرانیان تنها به معماری محدود نمی‌شد بلکه از تنوع بسیار زیادی برخوردار بود. یکی از هنرهای مهم نقاشی بود که خود ادوار مختلفی داشت. این هنر در عصر تیموری به اوج رسید.

از دیگر هنرهای ایرانیان سفال‌سازی بود. ظروف و اشیای سفالی به انگیزه‌ی استفاده‌ی روزانه و نیز تزیین، ساخته می‌شد و با طرح‌ها و نوشته‌های زیبا آرایش می‌گردید. امروزه هزاران قطعه از این آثار در موزه‌های ایران و جهان نگه‌داری می‌شود.

هنر ایرانیان در عرصه‌ی فرش‌بافی و پارچه‌بافی نیز برجسته بود که جنبه تجاری نیز داشت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مهم‌ترین مراتب قدرت سیاسی در ایران را در دوره‌ی اسلامی مشخص کنید.
- ۲- علل توسعه‌ی دانش‌های تاریخ و جغرافیا در میان ایرانیان را جداگانه ذکر کنید.
- ۳- به نظر شما چه نکات برجسته‌ای در تاریخ آموزشی و علمی ایران در دوره‌ی مورد بحث وجود دارد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- توضیح دهید که هریک از دیوان‌هایی که در این درس نامشان برده شده، کار کدام وزارت‌خانه‌ها یا مؤسسات امروزی را انجام می‌دادند.
- ۲- در این درس خواندید که در تاریخ ایران از قرن سوم تا نهم هجری «حکومت‌های محلی» نیز وجود داشته‌اند. در باره‌ی یکی از این حکومت‌ها مطلب کوتاهی تهیه کنید.
- ۳- در باره‌ی یکی از هنرها، صنایع یا بناهای مربوط به قرون اول تا نهم هجری مطلبی تهیه کنید.
- ۴- چنانچه تاکنون فیلمی دیده‌اید یا کتابی خوانده‌اید که موضوع آن با شخصیت‌ها و موضوعات این درس ارتباط دارد، گزارشی درباره‌ی آن تهیه کنید.